«سبک زندگی» با رویکرد تطبیقی بین دیدگاه «علامه طباطبایی» و «دالایی‌لاما»

پدیدآورده (ها) : فیضی، مجتبی؛آذربایجانی، مسعود؛کاویانی، محمد
روان‌شناسی :: مطالعات اسلام و روان شناسی :: بهار و تابستان 1396 - شماره 20 (علمی-پژوهشی/ISC)
از 117 تا 148
آدرس ثابت : https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1271068

دانلود شده توسط : پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
تاریخ دانلود : 18/04/1398

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائهٔ مجلات عرضه شده در پایگاه،مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه قوانین و مقررات استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.

پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

دوفصلنامهٔ علمی ـ پژوهشی
مطالعات اسلام و روان‌شناسی
س۱۱، ش۲۰، بهار و تابستان ۱۳۹۶
صفحات ۱۱۷ ـ۱۴۸

Biquarterly journal of
Studies in
Islam & Psychology
Vol.11, No.20, Spring & Summer 2017

«سبک زندگی» با رویکرد تطبیقی بین دیدگاه «علامه طباطبایی» و «دالایی‌لاما»

مجتبی فیضی*
مسعود آذربایجانی**
محمد کاویانی ارانی***

چکیده

این پژوهش با هدف معلوم ساختن تفاوت‌ها و شباهت‌های سبک زندگی از دیدگاه «علامه طباطبایی» و «دالایی لاما» انجام شده است و رویکردی میان رشته ای بین اخلاق و روان شناسی، و نیز رویکردی علمی- دینی دارد؛ و با روش تحلیل نظریِ متون دینی و روان‌شناختی به انجام رسیده است. نتایج نشان داد که علامه طباطبائی «گستره سبک زندگی» را در چهار مقوله ارتباط با «خدا»، «خود»، «دیگران» و «طبیعت» تعریف می‌کند و سه مقوله دیگر را زیل «ارتباط با خدا» جای می‌دهد؛ اما دالایی‌لاما، فقط به سه حیطه ارتباط با «دیگران»، «خود» و «طبیعت» توجه کرده و ارتباط با «خدا» را توجه نمی کند. هر دو اندیشمند به خودشناسی، مهرورزی، احترام به والدین، عشق به همسر، حفظ محیط زیست و نقد تکنولوژی پرداخته‌اند، اما در ناحیه مبانی و اهداف تفاوت‌های اساسی دارند؛ در واقع، علامه نگرشی اعتقادی ــ اخلاقی دارد، اما دالایی‌لاما، نگرش «اخلاق سکولار» دارد.

واژه‌های کلیدی: سبک زندگی، علامه طباطبایی، دالایی لاما، اخلاق اسلامی، روان‌شناسی اسلامی

---

* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد فلاورجان — Email: mojtabafeizi2000@yahoo.com
** دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه — Email: mazarbayejani@rihu.ac.ir
*** دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه — Email: m_kavyani@rihu.ac.ir
تاریخ دریافت: ۹۴/۱۲/۱۵ تاریخ تأیید: ۹۵/۱۱/۲۰

www.noormags.ir

مقدمه

اگر چه ادیان در ظاهر به زبان‌های متفاوتی با پیروان خود سخن می‌گویند، اما می‌توان اصول و ارزش‌های مشترکی (به‌ویژه در ناحیه ارزش‌های اخلاقی) در متن اعتقادات آنها یافت. نگارنده دراین بررسی کوشیده است این ارزش‌های مشترک و نیز تفاوت‌های این حوزه‌ها در اندیشه دو صاحب‌نظر برجسته مربوط به دو دین اسلام و بودا را در ناحیه سبک زندگی در معرض داوری قرار دهد.

معمولاً نقطه آغازین آموزه‌ها در ادیان، وابسته به بستر شکل‌گیری و مؤسسان آنهاست و با آیین‌های رقیب همسویی ندارد، اما در طول تاریخ و در پرتوی مقایسه با سایر ادیان مشاهده می‌شود که بسیاری از ارزش‌هایی که مطرح می‌کنند با آنچه در دیگر ادیان دیده می‌شود، واجد نقاط درک مشترکی است.

مباحث تطبیقی همواره با محدودیت‌هایی روبه‌رو است. گاهی ممکن است در مسیر پژوهش با توجه به گرایش‌های دینی پژوهشگر دیدگاه رقیب تضعیف و به گونه‌ای جانبدارانه یا همراه با پیش‌داوری نقل شود. در این مقاله تلاش شده است تا نگاهی اجمالی به طور منصفانه به نقاط اشتراک و افتراق با رویکردی تطبیقی بین دیدگاه دو اندیشمند یعنی دالایی‌لاما و علامه طباطبایی در موضوع سبک زندگی بیفکنیم.دیدگاه نگارنده در این مقاله با عنوان «نقد و بررسی»در ذیل هر مطلب بیان شده است.

ضرورت بحث

انتخاب این موضوع از آنجا ضرورت می‌یابد که در جهان معاصر با موج فزاینده‌ای از جریان‌های معنوی روبه‌رو هستیم که هر یک با شگردهای خاص روان‌شناسانه‌ای درصدد جذب هوادار از اطراف و اکناف جهان برای خود هستند و دغدغه معنویت‌خواهی بشریت که ریشه در فطرت الهی آنان دارد را دستاویز اندیشه‌ها و اعمال خود قرار داده‌اند. اینان تصویری متفاوت از دین و ایمان به بشریت عرضه کرده‌اند. پاره‌ای از آنها از شرق و پاره‌ای دیگر از غرب طلوع کرده‌اند. در این میان، تفکر لامائیسم ریشه در چهارمین دین پرطرفدار جهان، بودا دارد. دالایی‌لاما رهبر بوداییان تبت اشتهار جهانی یافته و نگرشی متفاوت از مکتب بودیسم به نمایش گذاشته و دیدگاه‌های وی در کشور ما نیز مورد توجه عده‌ای قرار دارد. با این حال، فقدان معرفی الگوهای بدیل و باارزش دینی و هماوردی آنها با این شخصیت‌های بدلی به جد

www.noormags.ir

احساس می‌شود. علامه طباطبایی از این‌گونه شخصیت‌ها به شمار می‌آید و به حق می‌تواند عطش حق‌طلبانه جوانان جویای رستگاری را در دوران معاصر سیراب کند. در ذیل اشاره‌ای کوتاه به زندگی دالایی‌لاما کرده تا چهره او نمایان‌تر شود.

زیست‌نامه دالایی‌لاما

تنزین گیاتسو، چهاردهمین دالایی لاما (کنونی)، در سال ۱۹۳۵ در تبت به دنیا آمد و در سال ۱۹۳۷ به عنوان تجسم‌یافته دالایی‌لامای قبلی شناخته شد. در سال ۱۹۳۹ به عنوان دالایی‌لامای چهاردهم معرفی شد. در سال ۱۹۴۰ در پنج‌سالگی تاجگذاری کرد. از سال ۱۹۵۰ پس از اشغال تبت توسط ارتش چین، رهبری سیاسی تبت را در شانزده‌سالگی در دست گرفت. در سال ۱۹۵۹ به دنبال قیام تبتیان و سرکوب آن توسط ارتش چین به هند گریخت. وی مسافرت‌های رسمی فراوانی داشته و با سیاستمداران و شخصیت‌های مختلفی دیدار داشته است. همهٔ فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی وی بر محور گفتگو و صلح بشری استوار است. در سال ۱۹۸۹ برنده جایزه صلح نوبل شد. بنا به نقل برخی خبرگزاری‌ها دولت آمریکا حمایت‌های گسترده‌ای را از دالایی‌لاما به عمل آورده و سازمان سیا زمینه فرار وی از تبت را فراهم کرده است. وی در سال ۲۰۱۱م اعلام کرد که از رهبری سیاسی تبت کناره می‌گیرد. او با اعدام صدام مخالفت کرد و در چگونگی رفتار با دشمن گفته است: من برای چینی‌ها دعا می‌کنم، همان‌گونه که برای تبتی‌ها دعا می‌کنم، زیرا من فردی اهل مسامحه و پیرو خوش‌بینی هستم (فعالی، ۱۳۸۸، ص۱۹-۳۰).

بیان مسئله

«سبک زندگی» از مباحث جدید پس از رنسانس در غرب است. این مقوله به عنوان شاخه‌ای میان رشته‌ای از ظرفیت بالایی در علوم مختلف برخوردار است. برای نمونه، این مقوله در دانش روان‌شناسی با مفهوم «شخصیت» هم‌افق است و از سوی دیگر، در یک مفهوم عام، دین به معنای سبک و روش زندگی معنا می‌شود. در تعریفی دیگر سبک زندگی عبارت است از: «شیوه‌ای نسبتاً ثابت که فرد اهداف خود را به آن راه دنبال می‌کند» (کاویانی، ۱۳۹۱، ص۱۶).

جریان‌های مدعی ارائه راه رستگاری بشر در دوران معاصر خارج از حد احصاء و

www.noormags.ir

شمارش است. در این میان استفاده از ابزارهای تأثیرگذار روانی برای جذب مخاطبان بیشتر، از روش‌های این جریان‌ها و شخصیت‌ها می‌باشد. عرصه سبک زندگی با توجه به جدید و جذاب بودن آن می‌تواند سنگ محک مناسبی در سره یا ناسره بودن آنها به شمار آید. دالایی‌لاما با هدف قرار دادن شادی که مطبوع طبع همگان است و از مباحث روان‌شناسی به شمار می‌آید. در یک چرخش کامل ساختاری نسبت به دیدگاه بودیسم که به دنیا از دیدگاه رنج و رهایی از رنج نگاه می‌کند، تبیینی خاص در سبک زندگی برای مردم جهان ارائه می‌کند. در این بین خلأ معرفی الگوهای دینی و هموار بودن زمینه تبلیغات جریان‌های معنوی نوظهور عرصه را بر جویندگان راه حق تنگ کرده است. بر این اساس و به جهت لزوم معرفی الگوی برتر در عرصه سبک زندگی، این مقاله رسالت خود را در تحقیقی تطبیقی میان آرای دالایی‌لاما و علامه طباطبایی قرار داده تا زمینه بازشناسی جریان حقیقی معنوی از کاذب فراهم شود. لازم به ذکر است مهم‌ترین اثر دالایی‌لاما توسط یک روان‌شناس غربی که مدتی ملازم وی بوده و سؤالاتی از دالایی‌لاما کرده، با عنوان هنر شادمانگی به چاپ رسیده است.

پرسش پژوهش

تفاوت‌ها و شباهت‌های دیدگاه علامه طباطبایی و دالایی‌لاما در سبک زندگی کدام است؟

پیشینه بحث

سبک زندگی از مقولاتی است که مقالات بسیاری مرتبط با هر حوزه در این زمینه به چاپ رسیده است. در کشور ما طی چند سال اخیر کتاب‌ها و پایان‌نامه‌هایی با رویکردهای متفاوت به این موضوع پرداخته‌اند. با توجه به نو بودن موضوع و مقایسه‌ای بودن پژوهش، اثری که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به مقایسه میان آرای علامه طباطبایی و دالایی‌لاما پرداخته باشد، یافت نشد. از این‌رو، باید اذعان کرد که این تحقیق فاقد پیشینه است.

روش پژوهش

روش این پژوهش، تحلیل عقلی و نظری در محتوای منابع مربوط به این دو

www.noormags.ir

اندیشمند و تطبیق میان آنها است. طبعاً روش مورد تتبع با توجه به تفاوت مکتب این دو صاحب‌نظر متفاوت است. روش علامه طباطبایی در سبک زندگی متخذ از آرای وی در کتاب‌ها و به‌ویژه تفسیر گران‌سنگ المیزان مبتنی بر توحیدمحوری است. نگرش دالایی‌لاما با پیگیری در سایت‌ها، سخنرانی‌ها و آثار مکتوب وی میسور شد و آنگاه موارد تشابه و تفاوت دیدگاه مورد ملاحظه قرار گرفته است. تطبیق این دو نظریه به طور مقارن انجام یافته و وجوه شباهت و تفاوت‌ها جوهرهٔ اصلی تطبیق را تشکیل می‌دهد، هرچند تأثیرپذیری دالایی‌لاما از آموزه‌های بودیسم و علامه طباطبایی از اسلام را نباید نادیده گرفت.

۱. وجوه اشتراک دو دیدگاه

گستره سبک زندگی

سبک زندگی دایرهٔ بسیار گسترده‌ای دارد. از آرایش مو و آراستگی ظاهری گرفته تا انتخاب رنگ لباس و مدل کفش و... به بیان دیگر همه روابط چهارگانه انسان را دربرمی‌گیرد (شریفی، ۱۳۹۲، ص۳۱؛ مهدوی کنی، ۱۳۸۷، ص۱۸)

اگر محور مباحث سبک زندگی را به سطح روابط چهارگانه ارتباط با خدا، ارتباط با خود، ارتباط با دیگران و ارتباط با طبیعت تقسیم کنیم، وجوه اشتراک دیدگاه دو صاحب‌نظر (صرف‌نظر از قسم اول) به‌طور نظام‌مند قابل رصد است.

الف) ارتباط با خود

موضوع خودشناسی از محورهای مهم برای درک همسویی تعالیم دالایی‌لاما و علامه طباطبایی است. دالایی‌لاما بر آن است که اگر بخواهیم بیاموزیم که از ظرفیت خود به شکلی سازنده استفاده کنیم، نخست نیاز داریم که ماهیت خود را بشناسیم و سپس اگر اراده داشته باشیم، یک احتمال واقعی برای دگرگونی قلب انسان موجود است (دالایی‌لاما، ۱۳۸۴، ص۱۱). وی اعتقاد دارد که حتی برای تغییر در هر جامعه، نقطه شروع حرکت باید از فرد آغاز شود (همان). این حرکت از خود کم‌کم زمینه تحول را در جامعه فراهم می‌کند، زیرا «از جمله نخستین گام‌ها در راستای هر گونه تغییر و حرکت در جوامع بشری، اقدامات فردی بوده است» (دالایی لاما، ۱۳۸۲، ص۱۷۸).

www.noormags.ir

علامه طباطبایی شناخت نفس را در مسیر سعادت و کمال آدمی ارزیابی می کند و آن را لازمه شناخت نیازهای واقعی و سعادت انسان می‌داند: «تا خود را نشناختیم نیاز مندیهای واقعی خود را که سعادت ما در رفع آنهاست، نخواهیم شناخت» (طباطبایی، ۱۳۸۹، ص۲۰۱). ایشان در اهمیت معرفت نفس به رواج آن در میان تمامی امت‌ها و اعصار اشاره می‌کند: «اشتغال به معرفت نفس به منظور حصول آثار عجیب آن با همه اختلافی که در طرق آن هست، امری بوده که در بین همه امت‌ها رواج داشته، نه‌تنها رواج داشته بلکه جزء کارهای نفیس و پر ارزشی به شمار می‌رفته که از قدیمی‌ترین اعصار آن را به گران‌ترین قیمت و صرف نفیس‌ترین اوقات تحصیل می‌کرده‌اند» (طباطبایی، بی‌تا، ج۶، ص۲۶۷). وی لازم‌ترین وظیفه انسان را خودشناسی معرفی می‌کند تا بدین‌وسیله خوشبختی خود را درک کند و با وسایلی که در دست دارد، در رفع نیازمندی‌های خود بکوشد و عمر گرانمایه را که تنها سرمایه اوست، به رایگان از دست ندهد (طباطبایی، ۱۳۸۹، ص۲۰۱).

ب)ارتباط با دیگران

تعاملات اجتماعی وجه دیگری از وجوه سبک زندگی است. بخش معظمی از زمان بیداری انسان در ارتباط با دیگران سپری می‌شود. مهرورزی و عشق به انسان‌ها اساس سبک زندگی دالایی‌لاما است. نگرش دالایی‌لاما به موضوع صمیمیت و مهربانی به عنوان بستر و زمینه‌ساز شادکامی، فرا مذهبی است. وی مهرورزی، صمیمیت، عشق و عاطفه را برای زندگی روزمره ضروری می‌داند و مسیر الگوی هستی را سرشار از علاقه و عشق می‌یابد و آن را راه زندگی و واقعیت می‌داند (دالایی‌لاما، ۱۳۸۷، ص۵۴). «زمانی که من درباره عشق و شفقت سخن می‌گویم، نه به عنوان یک بودایی و نه به عنوان یک تبتی و نه به عنوان دالایی لاما است بلکه به عنوان یک انسان که با دیگری سخن می‌گوید» (دالایی‌لاما، ۲۰۰۵، ص۱).

برای مقابله با مشکلات و تقویت حس نوع‌دوستی و پشتکار، دالایی‌لاما معتقد است که «آیات هشت‌گانه» را باید هر روز زمزمه کرده و آنها را بخشی از زندگی روزانه خویش سازیم. در رویارویی با مشکلات، می‌بایست بی‌درنگ آیات هشتگانه را خوانده و زمزمه کرده و به کار بندیم. وی می‌گوید: «عشق حقیقی تنها پاسخی برای احساسات نیست، بلکه پیمان مستحکمی است که بر پایه دلیل و منطق استوار است» (شاه‌کاظمی،

www.noormags.ir

بی‌تا، مقدمه از دالایی‌لاما). همچنین، وی اساس حیات روحانی را محبت و نحوه نگرش هر انسان نسبت به سایرین می‌داند (همان، ص۲۱) و بر آن است که عشق و مهربانی از مهم‌ترین مبانی دین بودا و مبانی اصلی تمامی ادیان الهی هستند (همان، ص۱۴۳).

دیدگاه علامه براساس آموزه‌های اسلامی بر تقویت این بخش از زندگی در مسیر عبودیت و بندگی حق مبتنی بر اصلاح رابطه با خدا است. پس این محور نیز در راستای حاکمیت اندیشه توحیدی در دیدگاه علامه طباطبایی جایگاه واقعی خود را پیدا می‌کند. علامه کیش خود را در شعری که سروده، کیش مهر معرفی کرده است. موضوع تعاون در نگاه وی اساس اجتماع است و حتی احسان و نیکوکاری که مورد سفارش فراوان در منابع دینی است، از شعبه‌های مختلف «تعاون» است؛ زیرا استواری زندگی در پرتو معاضدت و کمک به همدیگر معنا می‌یابد و این مفهوم یک معنای موسّعی دارد، پس «نباید تصورکرد دین مقدس اسلام نیکوکاری را تنها در مال خواسته، بلکه دست‌گیری از هر درمانده‌ای، اگرچه نیاز مالی نداشته باشد، مطلوب دین مقدس اسلام و هم یکی از خواسته‌های وجدان انسان است» (طباطبایی، ۱۳۸۹، ص۲۳۶). ایشان در بیان مصادیق دست‌گیری از نیازمندان تعمیم قائل شده و آن را شامل دانش آموختن بی‌سوادان، دست نابینا را گرفتن، راهنمایی گمراهان و... می‌داند (همان).

یکی از آیات مهم قرآن که دستورالعمل ویژه‌ای در روابط اخلاق اجتماعی به نمایش می‌گذارد، آیه شریفه ۱۹۹ سوره اعراف است: «**خُذِ الْعَفْوَ وَ أْمُرْ بِالْعُرْفِ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْجاهِلِين**»؛ سرلوحه سیره اخلاقی در روابط با دیگران که نمادی از حسن معاشرت، ادب و سلوک متعبدانه را معرفی می‌کند. این آیه شریفه متضمن فرمان به پیامبر اکرم(ص) است. چنین شیوه‌ای در معاشرت‌های اجتماعی زمینه جذب قلوب و توجه نفوس را فراهم می‌آورد. مرحوم علامه در ذیل این آیه شریفه ضمن نقل دیدگاه مفسران دیگر، نظر خویش را اینگونه بیان می‌دارد:

از امام صادق(ع) نقل شده است که فرمود: «منظور از عفو وسط است». کلمه «عرف» به معنای آن سنن و سیره‌های جمیل جاری در جامعه است که عقلای جامعه آنها را می‌شناسند، به خلاف آن اعمال نادر و غیرمرسومی که عقل اجتماعی انکارش می‌کند (که اینگونه اعمال عرف «معروف» نبوده، بلکه منکر است) و معلوم است که امر

www.noormags.ir

به متابعت عرف، لازمه‌اش این است که خود امرکننده عامل به آن چیزی که دیگران را امر به آن می‌کند، بوده باشد و یکی از موارد عمل همین است که تماسش با مردم و مردم را امر کردن طوری باشد که منکر شمرده نشود، بلکه به نحو معروف و پسندیده مردم را امر کند؛ پس مقتضای اینکه فرمود: «أْمُرْ بِالْعُرْفِ» این است که اولاً به تمامی معروف‌ها و نیکی‌ها امر بکند و در ثانی خود امرکردن هم به نحو معروف باشد، نه به نحو منکر و ناپسند (طباطبایی، بی‌تا، ج۸، ص۳۸۰).

با این بیان روشن شد که دستور به عفو و ندیده‌انگاری به عنوان یک شاخص اخلاقی در روابط با دیگران باید سرلوحه کار عموم مردم قرار گیرد و دستور به عرف و معروف نیز فرمان دیگری است که باز در روابط اجتماعی مصداق پیدا می‌کند. از دیدگاه علامه طباطبایی فرمان سوم (أَعْرِضْ عَنِ الْجاهِلین) نیز دستور دیگری است در مسیر مدارای با مردم و این دستور بهترین و نزدیک‌ترین راه است برای خنثی کردن نتایج جهل مردم و تقلیل فساد اعمالشان برای اینکه به کار نبستن این دستور و تلافی کردن جهل آنها، بیشتر مردم را به جهل و ادامه کجی و گمراهی وا می‌دارد.

به نظر می‌رسد که فرمان‌های سه‌گانه بالا، شاخص برجسته‌ای از نحوه معاشرت و اوج مکارم اخلاقی را در حیات اجتماعی به نمایش می‌گذارد. در سخنی از خواجه عبدالله انصاری نقل شده است که می‌گوید بدی را بدی کردن خرکاری است، نیکی را نیکی کردن سگ‌کاری است، بدی را نیکی کردن کار خواجه عبدالله انصاری است. خدای بزرگ پیامبرش را به عنوان پیامبر رحمت و پیام وی را حامل عفو و اغماض برای خطاکاران توصیف می‌کند. مرحوم علامه در بحث روایتی چند روایت را نقل می کند که مؤید و مفسر این آیه شریفه است؛ امام صادق(ع) فرمود که خدای تعالی رسول خود را ادب کرد و از در تأدیب فرمود: «ای محمد! ملازم با عفو باش و آن را ترک مکن و به معروف دستور ده و از نادان‌ها اعراض کن»، آنگاه حضرت فرمود: معنایش این است که از ایشان به همان حفظ ظاهر اکتفا کرده و آنچه مقدورشان هست بگیر و کلمه عفو به معنای وسط است. در روایت دیگر رسول‌خدا(ص) فرمود: آن مکارم اخلاقی که خداوند آن را می‌خواهد این است که عفو کنی و درگذری، از هرکس که تو را ظلم کرد و پیوند خویشی کسی را که با تو قطع کرده تو وصل کنی و آن کس که تو را محروم کرده به او بدهی؛ آنگاه رسول خدا(ص) آیه «**خُذِ الْعَفْوَ وَ أْمُرْ بِالْعُرْفِ وَ أَعْرِضْ**

www.noormags.ir

عَنِ الْجاهِلین» را قرائت کرد» (همان، ص۳۸۴)). ایشان در کتاب شریف سنن النبی نیز روایاتی با همین مضامین در مورد مکارم اخلاق پیامبر(ص) نقل می‌کند که به نمونه‌ای از آن اشاره می‌شود:

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: «رسول خدا(ص) فرمود: آیا به شما خبر ندهم که کدامتان به من بیشتر شباهت دارید؟ گفتند: بلی یا رسول‌الله. فرمود: آن کسی که خلقش نیک‌تر و برخوردش با مردم ملایم‌تر و بیشتر از همه به برادران دینی خویش مهربان‌تر بوده و برحق صبورتر و غضب خود را بیش از دیگران فرونشاند و گذشتش بهتر از دیگران باشد و در حال رضا و غضب بیش از دیگران رعایت انصاف و عدالت را نماید» (طباطبایی، سنن النبی، ص۷۷).

بنابراین، رفتار نرم و ملایم نمادی از ادب و ظرافت‌های رفتاری است و ادب نیز نمادی از بندگی به شمار می‌آید، بنابراین رفتار مداراجویانه در مسیر بندگی خدای متعال قرار دارد.

تبلور سبک زندگی خانوادگی در احترام به والدین به ویژه مادر در آموزه‌های بودیسم به طور عام و در دیدگاه دالایی‌لاما به طور خاص از سویی (دالایی‌لاما، ۱۳۸۴، ص۲۴۶) و در نگاه اسلامی و علامه از سوی دیگر جایگاه بی‌بدیلی دارد. علامه طباطبایی معتقد است که «از نظر سنت اجتماعی و به حکم فطرت لازم است آدمی پدر و مادر خود را احترام کند و به ایشان احسان کند، زیرا اگر این حکم در اجتماع جریان نیابد و فرزندان با پدر و مادر خود معامله یک بیگانه را بکنند قطعاً آن عاطفه از بین رفته و شیرازه اجتماع به کلی از هم گسیخته می‌شود» (طباطبایی، بی‌تا، ج۱۰، ص۲۱۱).

خدای بزرگ پس از ذکر توحید، به احسان «والدین» توصیه می‌کند و می‌فرماید: «**وَقَضی رَبُّکَ أَلاَّ تَعْبُدُوا إِلاَّ إِیَّاهُ وَ بِالْوالِدَیْنِ إِحْسانا**» (اسراء، ۲۲) و در اخباری که گناهان بزرگ را می‌شمارد، پس از شرک، بدرفتاری نسبت به والدین شمرده شده است (طباطبایی، ۱۳۸۹، ص۲۱۵). در دین مقدس اسلام، اطاعت پدر و مادر جز در مواردی که به ترک یکی از واجبات یا فعل یکی از محرمات امر کنند، واجب است و به تجربه رسیده است کسانی که پدر و مادر خود را می‌رنجانند، در زندگی خود خوشبخت و کامروا و سرانجام رستگار نمی‌شوند (همان، ص۲۱۶). بنابراین، انسان باید در معاشرت و گفتگوی با پدر و مادر طوری روبه‌رو شود که پدر و مادر تواضع و خضوع او را

www.noormags.ir

احساس کنند و بفهمند که او خود را در برابر ایشان خوار می‌دارد و نسبت به ایشان مهر و رحمت دارد (طباطبایی، بی‌تا، ج۱۳، ص۱۱۰).

توصیه هر دو اندیشمند در حفظ نظام خانواده و عشق به همسر متمرکز است. ازجمله حوزه‌های پرچالش در سبک زندگی مربوط به وظایف و مسئولیت‌های جنسی است. دالایی‌لاما به عنوان یک رهبر معنوی دیدگاه خاصی مبتنی بر آموزه‌های بودیسم نسبت به روابط جنسی دارد. وی رابطه صرف جنسی را بدون درنظر گرفتن تعالی روحی فاقد ارزش دانسته؛ با این حال، معتقد است که اگر فردی به مدارج بالای کمال و سعادت راه یابد، مشارکت در فعالیت‌های جنسی به تعالی او کمک می‌کند.

برای بوداییان، رابطه جنسی می‌تواند در مسیر معنوی استفاده شود، زیرا اگر فرد شاغل در مقام طبابت [راهب.م] شفقت راسخ و خرد داشته باشد، موجب ایجاد تمرکز آگاهانه می‌شود. هدف از این مسئله آشکار کردن و طولانی نمودن سطوح عمیق‌تر ذهن است، به منظور قرار دادن قدرت خود برای استفاده در توان تشخیص تهیگی. در غیر این صورت مقاربت صرف، هیچ ربطی به تربیت معنوی ندارد. وقتی شخصی سطح بالایی از عمل در انگیزه و خرد را به دست آورد، پس از آن حتی از پیوستن این دو ارگان جنسی، یا به اصطلاح مقاربت، از رفتار خالص آن شخص نمی‌کاهد (دالایی‌لاما، ۲۰۰۲، ص۱۰۸).

خدای متعال عشق و مودت همسران نسبت به یکدیگر را از آیات و نشانه‌های خویش در این آیه شریفه معرفی می‌کند: «وَ مِنْ آیاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَکُمْ مِنْ أَنْفُسِکُمْ أَزْواجاً لِتَسْکُنُوا إِلَیْها وَ جَعَلَ بَیْنَکُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فی ذلِکَ لَآیاتٍ لِقَوْمٍ یَتَفَکَّرُون» (روم، ۲۱).

در این آیه سه ویژگی و شاخص مهم در سبک زندگی عاشقانه و روابط اعضای خانواده معرفی می‌شود که با توجه به تفسیر مرحوم علامه می‌توان دیدگاه وی را در این زمینه به دست آورد: ۱) **اصل تسکین (لِتَسْکُنُوا إِلَیْها)**: به عنوان نخستین عامل که راه حاکمیت توحید در خانواده را هموار می‌سازد، توجه به برداشتن چالش‌ها و تنش‌ها و دوری گزیدن از محیط‌های متشنج که از وظایف مرد و زن در خانواده به شمار می آید . اگر محیط خانواده با آرامش توأم نباشد زمینه ای برای حاکمیت ارزشها فراهم نخواهد شد. بنابراین ایجاد آرامش در خانواده زمینه مهمی در تعالی آن به شمار می‌آورد. **۲) اصل مودّت (جَعَلَ بَیْنَکُمْ مَوَدَّةً)**: از جمله الزامات و ضرورت‌های زندگی

www.noormags.ir

توحیدی، تعهد و عشق مرد نسبت به زن و بالعکس است. علامه طباطبائی در معنای مودّت می نویسد : کلمه «مودّت » تقریباً به معنای محبتی است که اثرش در مقام عمل ظاهر باشد، درنتیجه نسبت مودّت و محبت نسبت خضوع است به خشوع؛ چون خضوع آن خشوعی را گویند که در مقام عمل اثرش هویدا شود، به خلاف خشوع که به معنای نوعی تأثر نفسانی است که از مشاهده عظمت و کبریائی در دل پدید می‌آید (طباطبایی، بی‌تا، ج۱۶، ص۲۵۰). ۳) رحمتِ متقابل (رَحْمةً): «رحمت» به معنای نوعی تأثیر نفسانی است که از مشاهده محرومیت محرومی که کمالی را ندارد و محتاج به رفع نقص است، در دل پدید می‌آید و صاحبدل را وادار می‌کند به اینکه در مقام برآید و او را از محرومیت نجات داده و نقصش را رفع کند (همان).

ج) ارتباط با طبیعت

از ویژگی‌های جالب توجه در سبک زندگی از دیدگاه علامه و دالایی‌لاما اشتراک نظر بر سر حفظ محیط زیست طبیعی و نقد تکنولوژی در ایجاد آلاینده‌ها و آلودگی محیط زیست از سویی و رسالت اندیشمندان به لحاظ اخلاقی در این زمینه از سوی دیگر است؛ به گونه‌ای که این سیاره باید مکان امنی جهت سکونت نه‌تنها بشر فعلی بلکه برای نسل‌های آینده باشد. دالایی‌لاما از سیاره زمین به خانه بشر تعبیر می‌کند و معتقد است که «اگر درباره خوشبختی خود، فرزندانمان، دوستانمان و دیگر موجودات که در این خانه بزرگ با ما شریک هستند، نگران هستیم باید آن را مراقبت کنیم» (www.dalailama.com/messages/religious-harmony, 93/3/12)

دالایی‌لاما نسبت به حفاظت از محیط زیست رویکردی اخلاقی را دنبال می‌کند. تهدید صلح و حیات روی کره زمین را در نتیجهٔ فعالیت انسان‌هایی می‌داند که نسبت به ارزش‌های انسانی تعهدی ندارند.

مرحوم علامه طباطبایی چند روایت در مورد درخت‌کاری و اهتمام نسبت به حفظ و بهره‌برداری از امکانات طبیعی آورده است: «رسول اکرم(ص) فرمود: مسلمانی که درختی را غرس یا زراعتی سبز کند، مردم و پرندگان و چرندگان از آن بخورند، پاداش و اجر صدقه دارد». مسلمانان موظف هستند که از نیروی طبیعی بیشترین بهره‌برداری را بنمایند، تا جایی که یکی از پیشوایان مذهبی می‌فرماید: اگر ساعت انقراض عالم و به هم ریختن منظومه شمسی برسد و یکی از شما نهال درختی در دست دارد، چنانچه به

www.noormags.ir

قدر کاشتن آن فرصت است آن را بکارد! یعنی فکر انقراض عالم شما را از این عمل شریف باز ندارد» (طباطبایی، ۱۳۸۹، ص۲۴۸).

۲. وجوه افتراق دو دیدگاه

نگرش پلورالیستی یا نگاه رئالیستی

دالایی‌لاما با ابتنای همدردی، صمیمیت و مهربانی و نیک‌خواهی برای همه جنبندگان و انسان‌ها، تفاوت‌های موجود در ادیان را فاقد اهمیت معرفی می‌کند و رسالت ادیان را تحول در نوع نگرش و تبدیل انسان‌ها به موجوداتی نیک و نیک‌اندیش می‌داند (دالایی‌لاما، ۲۰۰۴، ص۵). ادیان مختلف اگرچه دیدگاه‌های متافیزیکی مختلفی دارند، اما پیام‌های بنیادین در ادیان بزرگتر یکسان هستند؛ بنابراین اکنون وضعیت مطلوب زندگی کردن در کنار یکدیگر و به طور هماهنگ با یکدیگر به وجود آمده است (دالایی‌لاما، بی‌تا، ص۷).

وی با این اندیشه در واقع خاصیت رئالیستی و واقع‌نمایانه دین را انکار می‌کند و در این داستان با شخصیت‌هایی چون جان‌هیک همنوا می‌شود، زیرا وی نیز رسالت ادیان بزرگ را ایجاد تحول و خروج علیه خودپرستی و خودخواهی‌ها می‌داند و آموزه‌های ادیان را نمادهایی برای این هدف بزرگ معرفی می‌کند. این نوع نگرش در نگاه برخی پژوهشگران کثرت‌گرایی عرفانی نام دارد (شریفی، ۱۳۸۹، ص۲۵۸).

در نقطه مقابل، علامه طباطبایی نگرشی کاملاً رئالیستی نسبت به واقعیت دارد؛ هم در حوزه مباحث فلسفی و هم مسائل دینی، طبیعی، اجتماعی و... . در حوزه دین‌شناسی نیز با اتکاء به آموزه‌های متکی به وحی، نگاه ابزاری و درجه دومی به دین را به عنوان نافی آن دین می‌داند و معتقد است که اگر دینی بخواهد آموزه‌های سایر ادیان را نیز بر حق بداند، بر تشریفاتی بودن محتوای دین خویش رأی داده است. بیان ایشان چنین است:

کسی که عقلش اسلام را به عنوان یک دین صحیح دانسته و آن را پذیرفته، آیا عقلش حکم می‌کند که این دین کامل است و نیازمند مکتب‌های دیگر نیست، یا عقلش حکم می‌کند که این دین ناقص بوده و نیازمند دیگران است؟ اگر عقلش به صورت دوم حکم کند، خودش خودش را نقض کرده است، زیرا عقل سلیم حکم می‌کند که

www.noormags.ir

خداوند کار ناقص، هدایت ناقص نمی‌کند و آن عقلی که به دین خدا معتقد باشد و سپس آن را ناقص بداند، حکمش مصداق «ابطال مقدمات نتیجه، به وسیل [وسیله] خود نتیجه» می‌شود. پس کسی که یک دین را پذیرفته و آن دین را کامل می‌داند، باید در هم [همه] موضوعات و موارد اندیشه، از عقل و نبوت (به همراه همدیگر) استفاده کند. حتی در صنعت و امور صرفاً فنی (طباطبایی، بی‌تا، ص۱۷۸ «نقدهای علامه طباطبایی بر علامه مجلسی»).

نقد و بررسی

طبیعی است که این دو نگاه و انگاره در حوزه سبک زندگی، دستاوردهای متفاوتی را به ارمغان می‌آورد. تمایل به ملاقات با سران رژیم صهیونیستی از یک‌سو و سران جنبش حماس و جهاد اسلامی فلسطین از سوی دیگر و خود را به رنگ سمبل و نمادهای ادیان مختلف درآوردن و دریافت جوایز و نشان‌های دولت‌های مختلف غربی، نمایشی از سبک زندگی مبتنی بر تفکر پلورالیستی دالایی‌لاما است و در مقابل، اجابت نکردن به دعوت آمریکاییان برای تدریس فلسفه در دانشگاه‌های آن کشور و بی‌اعتنایی به اعطای مدرک دکترا از سوی شاه ایران به علامه طباطبایی نمایانگر رویکرد متفاوتی در این حوزه است؛ اگرچه این رویکرد دوم به معنای بستن باب تعامل و تضارب آراء و اندیشه‌ها نیست، همان‌گونه که مباحثات و مذاکرات بسیار علامه با پروفسور هانری کربن فرانسوی گویای این مطلب است.

احساس‌گرایی یا عقلانیت محوری

محور اعتقادات و پایه سبک زندگی شاد در نزد دالایی‌لامای چهاردهم بر مهرورزی، راستی، محبت، ایثار و نیک‌بختی همگانی نسبت به همه جنبندگان استوار است. روح حاکم بر گفتمان دالایی‌لاما در سخنرانی‌ها و یادداشت‌هایش نیز مؤید سخن بالاست. پس در تفکر بودایی و سبک و سیره زندگی علمی و عملی دالایی لاما، بن‌مایه‌های مباحث عقلانی و منطقی کمتر مشاهده می‌شود و از این‌رو، مراقبه و سلوک معنوی بدون پشتوانه معرفتی لازم طی می‌شود و بیشتر بر احساسات و برانگیختن عواطف تکیه می‌کند.

علامه طباطبایی ضمن اذعان به سه طریق درک حقایق که عبارتند از: وحی، کشف

www.noormags.ir

و عقل، طریقه عقل را از دو راه دیگر عمومی‌تر و از نظر اهمیتش برای زندگی دنیوی انسان مهم‌تر معرفی می‌کند، زیرا «وحی چیزی است که جز اهل عصمت یعنی انبیای گرام، کسی به آن دسترسی ندارد و طریقه کشف هم موهبتی است که جز به آحادی از اهل اخلاص و یقین نمی دهند و تنها طریقی که برای عموم بشر باقی می‌ماند، این طریق است، حتی مردم برای استفاده از دو طریق اول نیز به عقل نیازمندند» (طباطبایی، بی‌تا، ج۱۰، ص۴۳۲).

سبک زندگی و فکری مرحوم علامه معرف نوع بینش و سنخ تفکر ایشان است. عدم امتزاج و ترکیب مباحث علوم مختلف در خامه ایشان گویای پایبندی به مبانی قویم عقلی و تکیه بر پایه‌های نظام عقلانی است. به فرض در اثر گرانقدر اصول فلسفه و روش رئالیسم اثری از آیات و روایات و استناد به کشف و شهود عرفانی به چشم نمی‌خورد و تنها متکی بر مبادی و مبانی نظری و مشترک عقلایی است و بنابراین، پیرو هر نحله‌ای را به تحدی فرا می‌خواند و وصول به حقیقت را بر مدار مشترک تعقل تسهیل می‌کند.

چه بسا بر پایه این نوع پایبندی استاد بود که بساط مارکسیسم با آثار ایشان از کشور برچیده شد.

این نگرش علامه طباطبایی برگرفته از روح تعالیم اسلامی است؛ زیرا به قول وی: «اسلام دین تعقل است، نه دین عاطفه و در هیچ یک از شرایعش عاطفه را بر احکام عقلی که اصلاحگر نظام مجتمع بشری است مقدم نداشته و از احکام عاطفه تنها آن احکامی را معتبر شمرده که عقل آن را معتبر شمرده است که برگشت آن نیز به پیروی حکم عقل است» (طباطبایی، بی‌تا، ج۵، ص۳۰۰).

نقد و بررسی

این نوع نگرش احساس‌گرایانه چندان ارتباط وثیقی با عقل و استدلال ندارد. به گفتهٔ یکی از تویسندگان: «اصول و مبانی و عقاید مکاتب و مذاهب هندی بر پایه عقل و استدلال بنا نشده‌اند تا آدمی در جستجوی برهان و استدلال به هنگام پذیرش آنها باشد، بلکه آدمی فقط باید به آنها ایمان و اعتقاد قلبی داشته باشد، زیرا اندیشه هندی اعتماد چندانی به عقل ندارد تا برای اثبات عقاید خود از آن مدد گیرد» (نصری، ۱۳۷۱، ص۴۰).

www.noormags.ir

شاید علت این موضوع آن است که «امروزه دیگر ابعاد معرفتی و شناختی دین به طور جدی مطرح نیست، آنچه با توجه به ظهور و گسترش جنبش‌ها مهم تلقی می‌شود، تأثیری است که دین و معنویت بر احساسات و هیجان‌های بشری دارد» (مظاهری و سیف، ۱۳۸۹، ش۲۷۸).

این در حالی است که اساساً قوه تمییز و تشخیص انسان و مکانت برجسته وی نسبت به سایر موجودات بر وجود و استفاده از موهبت عقل تکیه زده است. تفکر و اندیشه در مکتب اسلام و به دنبال آن در اندیشه علامه نوعی عبادت و بلکه عبادت برتر است و به گفتهٔ برخی پژوهشگران تفاوت تفکر نسبت به سایر عبادات در آن است که عبادات دیگر جنبه طریقیت دارند، اما اندیشه و تفکر جنبه موضوعیت و هدف.

مراقبه سکولار یا مراقبه توحیدی

دالایی‌لاما روش مهرورزی و پرهیز از خشونت و ایجاد نگرش مثبت و آرامش را با راهکارهای مراقبه در انواع مختلف آن از جمله مراقبه موشکافانه و مراقبه سنجشگرانه توصیه میکند که در واقع نوعی تمرین روزانه مثبت‌اندیشی از صبح تا شب است و در پایان روز بررسی می‌کند که چه زندگی‌ای را گذرانده است. وی معتقد است که این مراقبه‌ها زندگی را مثبت می‌کند و اگر کسی پشتوانه دانشی پیشرفته‌ای داشته باشد، می‌تواند به تمرین تانترا نیز روی آورد و این روندی است که فرد را یاری می‌دهد تا زندگی روزانه را پرمفهوم‌تر سازد (دالایی‌لاما، ۱۳۸۱، ص۱۱۲ـ۱۱۴).

مرحوم علامه به موضوع مراقبه در همه لحظات زندگی عنایت ویژه‌ای داشتند و این مطلب را در سیرهٔ علمی و عملی ایشان می‌توان مشاهده کرد. وی در معنای مراقبه می‌گوید: «مراقبه یعنی توجه باطنی انسان به خدا و روی نگرداندن از آن در همه احوال است. مراقبه کمالی است که انسان را به مقصد نزدیک، بلکه به مقصد می‌رساند. مراقبه این است که انسان در اوقات بیداری از اول صبح تا هنگام خواب از یاد خدا غافل نباشد و تمام گفتار و کردارش برای خداوند متعال و جلب رضای او باشد، او را همه‌جا حاضر و بر کارهای خود ناظر بداند و خویشتن را در محضر او بیابد. در روایت آمده است: «أُعبُدِ اللهَ کَأَنّکَ تَراهُ فَإن لَم تکن تَراهُ، فَإنّهُ یَراکَ» خدا را آن گونه عبادت کن که گویی او را می‌بینی و اگر تو او را نمی‌بینی، او تو را می‌بیند. کلید اشیاء در مراقبه است تا مراقبه نباشد و درست صورت نگیرد، بقیهٔ کارها و دستورات

www.noormags.ir

در سیر و سلوک هیچ و بی‌اثر است» (رخشاد، ۱۳۸۸، ص۳۳۱). دستورالعمل علامه در سبک زندگی اسلامی در این باره را از محتوای پاسخنامه به جوانی ۲۲ ساله که راه عملی مبارزه با نفس را درخواست کرده بود، می‌توان دریافت:

برای موفق شدن در رسیدن به منظوری که در نامه مرقوم داشته‌اید، لازم است همّتی برآورده و توبه‌ای نموده، به مراقبه و محاسبات پردازید. به این نحو که هر روز که هنگام صبح از خواب بیدار می‌شوید، قصد جدی کنید که در هر عملی که پیش می‌آید، رضای خدا را مراعات خواهم نمود، آن وقت در سر هر کاری که می‌خواهید انجام دهید، نفع آخرت را منظور خواهید داشت؛ به طوری که اگر نفع اخروی نبود، انجام نخواهید داد و وقت خواب چهار پنج دقیقه در کارهایی که روز انجام داده‌اید، فکر کرده و یکی‌یکی از نظر خواهید گذرانید. هر کدام مطابق رضای خدا انجام یافته شکر بکنید و هر کدام تخلف شده استغفار. این رویه را هر روز ادامه دهید، این روش گرچه در ابتدا سخت است و در ذائقه نفس تلخ، ولی کلید نجات و رستگاری است و هر شب پیش از خواب اگر توانستید سُور مسبّحات (حدید، حشر، صف، جمعه، تغابن) را بخوانید و اگر نتوانستید تنها سوره حشر را بخوانید و پس از ۲۰روز، حالات خود را برای بنده بنویسید. ان‌شاءالله موفق خواهید بود (باقی ودیگران، ۱۳۸۴، ص۱۳۶).

استاد حسن‌زاده گوید: مرحوم علامه طباطبایی روزی به من فرمود: آقا هر روز که مراقبتم قوی‌تر است، مشاهداتم در شب زلال‌تر است. هر روز توجه‌ام بیشتر است، مکاشفاتم در شب صافی‌تر است (لقمانی، ۱۳۸۲، ص۹۱).

نقد و بررسی

از آنجایی که مبنای اندیشه دالایی لاما بر عدم اعتقاد به خداوند متعال استوار است؛ از این‌رو، مراقبه‌های وی نیز از مبنا و مقصد ماورائی تهی است و تنها کارکرد آن در جهت مثبت‌اندیشی و بهبود زندگی در چارچوب ظواهر است، در حالی که در کانون مراقبه مورد نظر علامه، توبه، توجه باطنی و عدم غفلت از ساحت ربوبی خدای متعال قرار گرفته است. توجه دائمی و تذکر یاد خدا زمینه تعالی معنوی و پیمودن مدارج کمال را به همراه دارد. سیره عملی علامه نیز گویای همین موضوع است که ایشان هیچگاه مصداق آیه شریفه «لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ»واقع نشد و این سیر کمالی در مسیر توحیدی و آرامش ابدی در جهان آخرت چیزی است که در مکتب دالایی لاما با

www.noormags.ir

نگرش سکولار مشاهده نمی‌شود. شاگرد برجسته علامه به این نکته اساسی توجه داده است که تفاوت روش اخلاقی ایشان با دیگران به آن است که «اخلاقیات وی از تراوش باطن و بصیرت ضمیر و وصول به حقائق عوالم ملکوتی بود، ولی مسلک اخلاقی دیگران ناشی از تصحیح ظاهر و مراقبات بدنیه است» (حسینی طهرانی، ۱۴۳۱، ص۸۷). این مطلب درباره تفاوت مراقبات دالایی لاما با مراقبه مرحوم علامه نیز صادق است.

ترحّم یا تعقّل

در میان موجودات روی کره زمین، هشیارترین و آگاهترین موجود انسان است. تعبیر دالایی لاما در این باره چنین است: «به تصور من ابناء بشر عالی‌ترین هستی‌های آگاه در این سیاره هستند» (دالایی لاما، ۱۳۸۴، ص۱۴). با این حال وی اذعان به اهمیت مساوات میان همه موجودات زنده دارد و معتقد است که «اساس آموزش‌های دین بودا بر روی اهمیت مساوات میان همه موجودات زنده و برابری انسان‌ها استوار است. حتی اگر شما بودایی هم نباشید، درک و آگاهی از این امر برایتان کاملاً لازم و ضروری است» (دالایی‌لاما، ۱۳۸۲، ص۱۴۴). به نظر وی «هر گونه صدمه زدن و آسیب رساندن به زندگی در همه ادیان ممنوع است. همه انسان‌ها باید از آسیب رساندن و نابودی هر چیز از کوچک تا بزرگ، از بشر تا کوچکترین حشره و در تمام موارد بپرهیزند» (همان، ص۱۴۵).

در نگرش علامه طباطبایی، عالم هستی طفیل وجود انسان است و گل سر سبد عالم آفرینش، انسان است. همه آیاتی که با تعبیر (سَخَّرَ لکم) نازل شده است، دلالت بر این واقعیت دارند که همه آنچه آفریده شده برای انسان و پرورش و تعالی او پا به عرصه هستی گذاشته‌اند؛ با این حال، رعایت حقوق حیوانات تا اندازه‌ای بدان توجه شده است که مهمل گذاشتن آن عقوبت دنیایی و آخرتی را به همراه خواهد داشت، اما در صورت وجود تعارض میان منافع آدمی و حیوانات قطعاً مصالح انسان‌ها بر حیوانات مقدم است؛ هرچند این سخن به معنای دست‌اندازی بشر در نظام طبیعت و ایجاد اختلال در چرخه حیات طبیعی نباید قلمداد شود.

در همین راستا، علامه طباطبایی و در رد شبهه سازگاری میان رحمت الهی و تشریع حکم تزکیه و ذبح حیوانات به این نکته اشاره می‌کند که در این شبهه میان رحمت و رقّت قلب، خلط شده است و آنچه در خدای تعالی است، رحمت می‌باشد، نه رقّت قلب که تأثر شعوری خاص است در انسان که موجب می‌شود، انسان رحم دل نسبت

www.noormags.ir

به فرد مرحوم تلطّف و مهربانی کند و این خود صفتی جسمانی و مادی است که خدای تعالی از داشتن آن متعالی است، ـ تعالی الله عن ذلک علـوّاً کبیـراً ـ و امـا رحمـت در خدای تعالی معنایش افاضه خیر بر مستحق خیر است، آن هم به مقداری که اسـتحقاق آن را دارد و به همین دلیل، بسا می‌شود که عذاب را رحمت خدا و به عکس رحمت او را عذاب تشخیص می‌دهیم، همچنان‌که تشریع حکم تزکیه حیوانات را بـرای حیوانـات عذاب می‌پنداریم، پس این فکر را باید از مغز بیرون کرد که احکام الهی باید بر اسـاس تشخیص ما که ناشی از عواطف کاذبه بشری است، بوده باشد و مصالح تدبیر در عـالم تشریع را به دلیل این‌گونه امور باطل ساخته و یا در اینکه شرایعش را مطابق با واقعیات تشریع کرده باشد، مسامحه کند. پس اسلام در تجویز خوردن گوشت حیوانات و نیز در جزئیات و قید و شرط‌هایی که در این تجویز رعایت نموده امر فطرت را حکایت کرده، فطرتی که خدای تعالی بشر را بر آن فطرت خلق کرده است: «فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِی فَطَرَ النَّـاسَ عَلَیهَا لَا تَبْدِیلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِکَ الدِّینُ الْقَیمُ» (طباطبایی، بی‌تا، ج۵، ص۳۰۰).

نقد و بررسی

نگاه دلسوزانه و ترحم‌آمیز دالایی‌لاما برای حیوانات تا بدان اندازه می‌رسد که معتقد است برای آزادی حیوانات باید از انسان‌ها مایه گذاشت: «به گمان من اگر هیچ انسـانی از این پس بر روی این سیاره زندگی نکند، این سیاره مکانی مطمئن‌تر خواهد شد! یقیناً شاید میلیون‌ها ماهی، جوجه و دیگر انواع حیوانـات از نـوعی آزادی واقعـی بهـره‌منـد شوند» (دالایی‌لاما، ۱۳۸۴، ص۹).

نکته قابل تأمل و سؤال‌برانگیز در ایـن اظهـارات آن اسـت کـه آیـا ارزش و اعتبـار جوجه‌ها و ماهی‌هایی که انسان‌ها آنها را صید می‌کنند، از کودکان مظلوم و ستم‌کشـیده فلسطینی بیشتر است؟! چگونه است که آقای دالایی‌لاما برای حیوانات به انـدازه‌ای دل می‌سوزاند که حاضر است هیچ انسانی در این سیاره به جهت ظلمی که به حیوانات روا می‌دارد، زندگی نکند؛ اما هیچگاه دست از لبخنـد زدن بـه روی جانیـان و جنایتکـاران رژیم جعلی و غاصب صهیونیستی در قتل عام کودکان فلسطینی بر نداشته و گاهگـاهی نیز به دیدار دوستانه و صمیمانه با آنها می‌شتابد و از دست این ظالمان و غاصبان اعانه و کمک نیز دریافت می‌کند؟! آیا تناقض میان قول و رفتار وی را چگونه می‌توان توجیه کرد؟ احساس ترحم نسبت به حیات حیوانی یا انسانی، کدامیک برتری دارد؟!

پس ترحم و رحمت نمی‌تواند حاکم علی‌الاطلاق و به طور مطلق خـوب و نعمـت

www.noormags.ir

باشد، زیرا «اگر اینطور بود مؤاخذه ظالم به جرم اینکه ظلم کرده، و مجازات مجرم به دلیل اینکه مرتکب جرم شده درست نبود ـ و حتی زدن یک سیلی به قاتل جنایتکار درست نبود، زیرا با ترحّم منافات دارد ـ و نیز انتقام گرفتن از متجاوز و به مقدار تعدی او تعدی کردن درست نبود، و حال اگر ظالم و مجرم و جانی و متجاوز را به حال خود واگذاریم، دنیا و مردم دنیا تباه می‌شوند» (طباطبایی، بی‌تا، ج۵، ص۲۹۹) و بنابراین «دفع کردن ظالم خود احسانی است بر انسانیت» (طباطبایی، بی‌تا، ج۲، ص۹۳) و این نگرشی است که دقیقاً در نقطه مقابل دیدگاه دالایی‌لاما مبنی بر حس ترحّم، دلسوزی و گذشت حتی از ظالم و جنایتکاری همچون صدام حسین است.

تفریط یا راه میانه و اعتدال

راه میانه در آیین بودا با آنچه در سایر ادیان مخصوصاً ادیان ابراهیمی در زمینه شیوه زندگی انسانی مطرح می‌شود، بسیار نزدیک است. در بسیاری از ادیان شیوه‌های ریاضت‌مدارانه یا مذمت شده‌اند و یا دست‌کم در موضوع نجات انسان بر آن تأکیدی نیست. غوطه‌ور شدن در شهوات نیز در قریب به اتفاق ادیان منع شده است، مگر گرایش‌های انحرافی مثل شیطان‌پرستان یا آیین تنتره در سنت هندوئی. از این جهت تعالیم بودا در زمینه راه میانه با سایر ادیان مخصوصاً ادیان ابراهیمی شباهت‌های زیادی وجود دارد (موحدیان عطار و رستمیان، ۱۳۸۶، ص۱۴۶) در بررسی سبک تغذیه دالایی‌لاما دست‌کم برای مدتی اجتناب از خوردن گوشت و الزام به گیاه‌خواری وجود دارد که البته با اعتدال مورد ادعا فاصله دارد. در آموزه‌های اخلاق اسلامی نیز یکی از اصول لازم‌الاتباع در شیوه زندگی متدینانه پیروی از «اصل اعتدال» حتی در عبادات است. این اصل قرانی در سنت و سیره پیشوایان دین نیز ظهور و بروز آشکاری دارد. آیات و روایات فراوانی توصیه به رعایت راه میانه یا اعتدال می‌کنند که در تفسیر المیزان بدان پرداخته شده است. سبک زندگی معتدل، آدمی را از افراط و تفریط حفظ می‌کند. شاخص اعتدال، انسان موحد را از اعوجاج و انحراف افراط و تفریط مصون نگه می‌دارد. اوج اعتدال‌گرایی و نصب‌العین قرار دادن آن در زندگی علامه کاملاً محسوس است. البته این امر شامل شوق به مطالعه و علاقه به تحصیل علم که بی‌وقفه ادامه داشته نمی‌شود.

www.noormags.ir

نقد و بررسی

در اخلاق فلسفی اصل اساسی که بر مبنای آن سایر قواعد اخلاقی را به محک توزین و سنجش می‌آورند، رعایت اصل اعتدال معرفی شده است و اگر نگوییم که در همه‌جا، در بسیاری از ارزش‌های اخلاقی قابل اعتنا است. در سبک و سیره دالایی‌لاما نوعی نگرش تفریطی مشاهده می‌شود. تحریم خوردن گوشت از این دست است. علامه طباطبایی درباره تحریم خوردن گوشت در نزد بوداییان می‌نویسد: «در سنت بودا خوردن تمامی گوشت‌ها تحریم شده و پیروان این سنت هیچ حیوانی را حلال گوشت نمی‌دانند و این طرف تفریط در مسأله خوردن گوشت است» (طباطبایی، بی‌تا، ج۵، ص۲۹۴). اگر چه آیین بودا با مبنای راه میانه و اعتدال در مقابل افراطی‌گری‌های هندوان شکل گرفت، اما به‌تدریج در برخی زمینه‌ها مانند پرهیز از خوردن گوشت، راه تفریط را در پیش گرفت. اعتراف دالایی‌لاما مبنی بر عدم استفاده از گوشت و مشکل جسمی پیدا کردن وی، مؤید ادعای فوق است.

شادی سلبی یا شادی ایجابی

شادی و آرامش بی‌هدف یا هدفدار شناسایی عالم هستی و وجود در فرهنگ آیین بودا، فاقد جایگاه خاصی است. این آیین تنها به دنبال رستگاری و نجات انسان می‌باشد و این توجه بسیار به عالم درون آدمی زمینه‌ای برای وصول به شادی و نجات از رنج بدون در نظر گرفتن مبدأ و مقصد حیات است. به بیانی دیگر نوعی شادی سرگردان و بی‌هدف در صدر اهداف این آیین قرار دارد. «در عرفان بودایی، شادی به معنای فقدان رنج و اندوه و آرامش، به معنای نبود اضطراب و نگرانی است که آن را شادی منفی می‌نامیم» (مظاهری سیف، ۱۳۸۸، ص۱۳۰). «در عرفان بودیسم، تلاش بر این است که عوامل رنج‌آفرین، اضطراب‌زا، نگرانی‌بخش و اندوه‌آور حذف و همه اینها، در مرحله اصلاح، به یک علت یعنی تصورات ذهنی و درنتیجه ناتوانی در مدیریت احساسات که دالایی‌لاما آن را نظم درونی می‌نامد، بازگردانده شود» (مظاهری سیف، ۱۳۸۹، ص۵۱).

دالایی‌لاما شادی را به عنوان یکی از اهداف خود ترسیم کرده است و تحلیل نگارنده مبتنی بر هدف متوسط بودن این هدف در نزد وی می‌باشد. او معتقد است: «از آنجا که هدف ما، درنهایت، رسیدن به خوشبختی وشادکامی پایدار است، می‌بایست از هر راهی که می‌توانیم، به زمینه‌ها و مایه‌های رسیدن به هدف خود نگرش داشته باشیم»

www.noormags.ir

(دالایی‌لاما، ۱۳۸۱، ص۱۱۱). «اما آیا به راستی عوامل ایجابی برای آرامش و شادی وجود ندارد؟ وجود حامی با نیروی مطلق و عشق نامحدود چقدر می‌تواند آرامش‌بخش و شادی‌آفرین باشد؟ احساس پیوندی نزدیک با سرچشمه هستی با کسی که غنی، پاک، زیبا و مهربان است، چه سرور پایدار و آرامش ژرفی را به روح و روان می‌بخشد؟ خداوند علت ایجابی شادمانی، آرامش، عمیق، ابدی و نامحدودی است که با ایمان و عمل برای او هر چه نزدیک‌تر می‌توان حضورش را احساس کرد. هستی‌اش فراتر از همه نیستی‌ها و حقیقتی برتر از همه دروغ‌ها و سراب‌ها» (مظاهری سیف، ۱۳۸۹، ص۵۱ و۵۲).

از سوی دیگر، در نگاه علامه طباطبایی، شادی و غم وابسته به طرز تفکر آدمی در سعادت و شقاوت است» (طباطبایی، بی‌تا، ج۳، ص۱۳). البته «سعادت و شقاوت، به اختلاف موردش مختلف می‌شود، سعادت و شقاوت روح، امری است و سعادت و شقاوت جسم امری دیگر و انسان دنیاپرست و مادی تنها و تنها کامیابی‌های مادی را سعادت می‌داند و کمترین اعتنایی به سعادت روح و کامیابی‌های معنوی ندارد» (همان، ص۱۴).

نقد و بررسی

علت این تفاوت نگاه در موضوع شادی را باید در اختلاف مبانی و اهداف دو مکتب ارزیابی کرد. هدف مکتب اسلام در حیات انسانی وصول به لقای الهی و پیوند با وجود سرمدی و مطلق عالم هستی است؛ در حالی که نگرش بودایی اساساً به چنین موجودی معتقد نیست. همین موضوع در مبدأ و مبنای هستی نیز مطرح است. در اندیشه بودایی چیستی سرآغاز جهان و سلسله جنبان آن چندان اهمیتی ندارد، همین اندازه می‌دانیم که دنیا با رنج آغاز می‌شود و باید عوامل رنج را شناخت و از آن اجتناب کرد، در حالی که سرآغاز جهان هستی در اندیشه اسلامی متکی بر موجود آگاه و عالم مطلقی است که براساس حکمت، پدیده‌های جهان را با یکدیگر درهم‌آمیخت. بدیهی است که با این تفاوت‌ها به راحتی می‌توان به چرایی انتخاب شادی منفی و بی‌هدف و به عبارت دیگر سرگردان دالایی‌لاما از یک طرف و ابتهاج و سرور عمیق صاحبدلان کوی دوست همانند علامه طباطبایی از سوی دیگر پی برد. بنابراین، شادی دالایی‌لاما با تأکید بر اجتناب از رنج نوعی شادی سلبی و منفی است. دالایی‌لاما در پاسخ به این

www.noormags.ir

سؤال که چه چیز شما را بیش از همه خوشحال می‌کند، پاسخ می‌دهد: خواب خوش و خوراک نیکو (دالایی‌لاما، ۱۳۸۱، ص۱۵۵)، در حالی که شادی مورد نظر علامه با تکیه بر مبانی اعتقادی اسلام نوعی شادی ایجابی می‌باشد که حتی در اوج رنج نیز می‌تواند از درون بجوشد و احساس رضایت را به ارمغان آورد.

خودشناسی روان‌شناختی یا خویشتن‌شناسی اخلاقی

بی‌تردید یکی از کانونی‌ترین مدعاها و نفیس‌ترین پیام‌های ادیان و مکاتب عرفانی جهان، برای انسان این است که بدون کشف دنیای درون و بدون سروسامان یافتن آن و بدون سلطه برآن، کشف و آبادسازی و چیرگی بیرون نیز به کار سعادت و امنیت و شادی آدمی نمی‌آید (بیات، ۱۳۸۱، ص۵۶۴).

یکی از حوزه‌های مهم مورد بحث در اندیشه دالایی‌لاما، ورود وی به موضوع خودشناسی است که در بخش وجوه شباهت به شواهدی از آن استناد شد. وی افزون بر توصیه‌های مختلف در مسائل اخلاقی، به ویژه نسبت به موضوع خودشناسی و دریافت روحیات و ویژگی‌های روانی افراد، پیشنهاد سنجش روان‌شناسانه خودشناسی را بیان کرده است. با مطالعه این آزمون ساده می‌توان به این نتیجه رسید که دالایی‌لاما نسبت به خودشناسی نگرش روان‌شناسانه دارد.

در نقطه مقابل علامه طباطبایی راه سیر و سلوک و خداشناسی را از مسیر معرفت نفس معرفی می‌کند. به گونه‌ای که معتقد است حتی معرفت نفس کامل‌ترین و برترین راه به شناخت پروردگار است (طباطبایی، ۱۳۸۷، ص۷۲ و ۷۶) و راه معرفت نفس همان سیر انفسی است و هیچ راهی غیر از راه معرفت نفس موجب پیدایش معرفت حقیقی نمی‌شود (همان، ص۸۴) و کیفیت این راه چنین است که با مراعات دستوراتی که در شرع برای دستیابی به انقطاع رسیده است، همچون توبه، انابه، محاسبه، مراقبه، صمت، جوع، خلوت و بیداری آغاز می‌شود و سالک با عمل به دستورات و انجام عبادات به مجاهدت با نفس می‌پردازد و با اندیشیدن و پند آموختن، عبادات و اعمال را مدد می‌رساند تا اینکه منجر به انقطاع کامل و غفلت از نفس و توجه تام به خداوند سبحان می‌شود و طالعی از غیب درخشیدن می‌گیرد و به دنبال آن نغمات الهی و جذبات رحمانی پی در پی فرا می‌رسند و موجب محبت و گرایش بیشتر به معبود که همان ذکر و یاد خداست می‌شوند. سپس برقی می‌درخشد که هیچگاه فروکش نمی‌کند

www.noormags.ir

و جذبه‌ای طالع می‌شود و اشتیاقی دست می‌دهد تا اینکه سلطان محبت در دل استقرار می‌یابد و ذکر بر نفس مستولی و چیره می‌شود و به مقام جمع می‌رسد و امر پایان می‌یابد و همانا پایان هر چیز به سوی پروردگار تو است (همان، ص۹۲).

نقد و بررسی

اهتمام دو اندیشمند به این موضوع از وجوه اشتراک و تفاوت مبانی، اهداف و رویکردها از وجوه افتراق و تمایز آنهاست. با وجود داشتن برخی نکات مثبت، باید اذعان کرد که همان ابهامات و پرسش‌هایی که نسبت به روان‌شناسی مطرح است، نسبت به دیدگاه دالایی‌لاما نیز قابل طرح است. عمق نگاه دالایی‌لاما در این موضوع به همین امور دنیایی و ظاهری و توجه به لایه‌های سطحی شخصیت آدمی معطوف است؛ در حالی که علامه طباطبایی افزون بر اشاره به این موضوع در آثار خود و در تفسیر قیم‌المیزان به مناسبت‌های مختلف خالق اثر «ولایت‌نامه» است که به تعبیر برخی بزرگان، گزارش شیوه‌نامه سلوکی ایشان است و در واقع سبک زندگی عرفانی سالک الی‌الله را به نمایش می گذارد، به گونه‌ای که با توجه به همین عبارات موجز مذکور از این کتاب می‌توان به عمق فاصله علامه با دیگران و به ویژه با دالایی‌لاما پی برد. جلوه‌های ذوب در حضرت حق و بهره‌مندی از انوار آن در زندگی نیز در این کلمات آشکار است.

انگیزه انسان‌مدارانه یا نیت خدامحورانه

از وجوه اشتراک نظر دالایی‌لاما و علامه طباطبایی در سبک زندگی توجه تام به مسئله نیت خالصانه و صادقانه است. رمز موفقیت در زندگی در گرو نیت خالصانه و رفتار شفاف و بی‌ریا است. هر دو اندیشمند به این موضوع توجه وافری از خود نشان داده‌اند.

در نگاه رهبر بوداییان تبت، رمز موفقیت آن است که با دیگران از در صداقت و راستی وارد شویم و نیّات پلید در ذهن و روح خود پرورش ندهیم تا زندگی آرام‌تر و شادتری را پیش رو داشته باشیم. وی انگیزه را مهم‌ترین محرک در زندگی می‌داند که در صورت وجود آن، نباید نگران چیز دیگری بود و آسیب‌پذیری، نتیجه فقدان نیت خوب است. وی قوی‌ترین انگیزه را در راستای سبک زندگی مهرورزانه برای

www.noormags.ir

نوع‌دوستی و همدردی توصیف می‌کند. از منظر علامه توجه بـه حسـن فـاعلی و نیـت صادقانه و خالصانه به عنوان عمل جوانحی در مسیر خواسـت الهـی و سـاحت ربـوبی معنای روشنی پیدا می‌کند و به زندگی رنگ خدایی می‌دهد. ایشان تجسم اخلاق عملی و خلوص کامل را در زندگی خویش به نمایش گذاشت و در مقام عمل به این واژه‌هـا عینیت بخشید.

نقد و بررسی

بی‌گمان در تحلیل سبک زندگی دینی از بحث و بررسی در موضوع نیـت مسـتغنی نیستیم، اما باید اذعان کرد که نقطه تمایز در این موضوع به مبانی، اهداف و متعلق نیت و انگیزه صادقانه برمی‌گردد. تحلیل نگارنـده آن اسـت کـه نگـرش علامـه در موضـوع انگیزه مبتنی بر رضایت خالق و اهمیت زندگی در پرتو اخلاق الهی است، زیرا اهمیـت نیّت و اخلاص در دین به برقراری پیوند با خالق بی‌نیاز است و روح حاکم بر سبک و سیره وی دائرمدار توحید است. ایشان در جلد اول المیزان ضمن تفصیل بیـان مسـالک مختلف اخلاقی، مسلک مختار را در همین مسیر معرفی می‌کند (طباطبایی، بـی‌تـا، ج۱، ص۵۵۸-۵۷۴).

در نگرش علامه و دالایی‌لاما در این موضوع نوعی اخلاق وظیفـه‌گرایانـه استشـمام می‌شود، با این تفاوت که در نگاه دالایی‌لاما وظیفه نسبت به دیگران و برای نوع دوستی مطرح است، اما در نگاه علامه این وظیفه‌گرایی نسبت به انجام مسئولیت‌ها از خاستگاه ماورائی نشأت گرفته و به هدف رضایت خالق الهی جهت‌گیری شـده اسـت و حیـات ایشان تجلی عینی آن به شمار می‌آید.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

موضوع سبک زندگی از مباحث بین رشته‌ای و سهل و ممتنع است. از یک سـو در همه حوزه‌های زندگی ورود پیدا می‌کند و از این‌رو، برای همگان محسوس و ملمـوس است و از سوی دیگر با معضلات زندگی مردمان در تماس است؛ به گونه‌ای کـه حـل آنها به راحتی امکان‌پذیر نیست و حتی ورود در این عرصه به معنـای دریافـت و حـل کامل مسائل آن نباید برداشت شود، بلکه هر تحقیقی فارغ از جنبه‌های ابداع و نوآوری و نقد آرای صاحب‌نظران می‌تواند با طرح عرصه‌های جدید، بـاب توسـیع موضـوعات

www.noormags.ir

جدید را به روی پژوهشگران باز کرده و زمینه‌های پژوهش را وسعت بخشد. این پژوهش روزنه‌ای جدید به موضوعی جدید با رویکردی جدید است که جمع‌بندی آن نشان می‌دهد که هر دو شخصیت بی‌تردید عناصری سبک‌ساز هستند. دستمایه اندیشه و سبک زندگی علامه برآمده از اندیشه ناب اسلامی است، در حالی که آبشخور حیات دالایی‌لاما در نهایت به آیین بودا برمی‌گردد. از دیدگاه علامه طباطبایی وصول به سعادت و سبک زندگی پایدار مبتنی بر اعتقاد به خدا، جهان آخرت و تعالیم وحی است و اساساً سبک زندگی حقیقی را باید در حیات جاودانه جستجو کرد. سبک زندگی اسلامی در نزد علامه، توحیدمدار است. اندیشه دالایی‌لاما منعزل و معزول از مبانی ماورائی است.

وظیفه در نگره علامه در برابر خدا، خود، دیگران و طبیعت استوار است و انسانیت انسان به میزان انجام وظایف او مربوط می‌شود. در نزد رهبر بوداییان تبت وظیفه در برابر خود، دیگران و طبیعت معنا می‌یابد. خودشناسی از محورهای مهم و مشترک هردو است. معرفت نفس در نزد علامه دهلیزی برای ورود به عالم ربوبی است، ولی در نزد دالایی‌لاما موجب بهبود روابط با سایر انسان‌ها می‌شود. احترام بسیار به سالمندان به‌ویژه گرامیداشت مقام مادر در نزد رهبر معنوی تبتی بوداییان مشهود است. این رویکرد در نزد مرحوم علامه عاملی برای توفیقات دنیایی نیز به شمار می‌آید. تقویت و تأیید صلح، دوستی و مهرورزی از وجوه اشتراک هر دو به شمار می‌آید. مثبت‌اندیشی در شیوه زندگی دالایی‌لاما در برابر واقع‌نگری علامه طباطبایی قرار دارد. سبک زندگی خواص و عوام در نزد دالایی‌لاما متمایز است، به گونه‌ای که راهبان بودایی حق ازدواج ندارند و روزگار را در تجرد به سر می‌برند. در نگرش علامه این تفکیک وجهی ندارد و با واقعیت و طبیعت در تضاد است، سبک زندگی عاشقانه در روابط همسران و عدم خیانت به همسر از وجوه اشتراک دو دیدگاه است. البته دالایی‌لاما ضمن تصریح به عدم جواز همجنس‌بازی در آیین بودا، به دلیل اینکه هم‌اکنون در دوران مدرن این نوع رفتارها رواج دارد و به دیگران آسیب نمی‌رساند، معتقد است که باید مورد پذیرش قرار گیرند و جامعه باید از دیدگاه سکولار به زنان و مردان همجنس‌باز نگریسته، به آنها احترام گذارده و ایشان را در خود بپذیرد! (mashreghnews.ir). رسیدگی و اهتمام نسبت به امور بیچارگان و نیازمندان مورد توصیه هر دو اندیشمند است. در مجموع

www.noormags.ir

نگرش دالایی‌لاما به روش زندگی یک نوع نگاه عاجلانه دنیانگر و سبک پیشنهادی علامه بر محور نگاه آجلانه آخرت‌گرایانه دور می‌زند: «وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ» (عنکبوت، ۶۴).

پیشنهادها

۱. شناخت تطبیقی سبک زندگی از دیدگاه اندیشمندان در ادیان مختلف، نه‌تنها شایسته و متوقع از یک جامعه دینی و اسلامی، بلکه ضرورتی انکارناپذیر و مسلم در جهان معاصر تلقی می‌شود، زیرا از یک‌سو برای حفظ هویت بومی و دینی جامعه و دوام نظام اسلامی به شناخت آرا و اندیشه‌های مطرح جهان در عرصه‌های مختلف نیاز داریم و از دیگر سو سبک‌های کنونی زندگی در سایر فرهنگ‌ها نیز داعیه پیشگامی در هدایت و نیل آدمی به سعادت را دارند و در عرصه سنگین رقابت ادیان جهان، ما مسلمانان نمی‌توانیم خود را از این میدان چالش‌خیز دور کرده و کنج عزلت پیشه سازیم و یا فقط به شعارسرایی بپردازیم و بی‌هیچ اقدام علمی و عملی مؤثر تنها به حقانیت عقاید خویش پافشاری کنیم. پذیرش بررسی و مقایسه الگوهای سبک زندگی که برآمده از عقاید و نگرش‌های مکتبی است، نیز اقتضائاتی دارد و باید با برنامه‌ریزی‌های دقیق کوتاه‌مدت، میان‌مدت و درازمدت به تربیت نیروهای کارآمد فکری در این عرصه اقدام کرد تا برتری و اصالت سبک زندگی اسلامی بر سایر دیدگاه‌های رقیب را به دور از هر گونه ضعف و ناتوانی به رخ جهانیان بکشانیم.

پیشنهاد تأسیس رشته «سبک زندگی» به عنوان مقوله میان‌رشته‌ای با استفاده از حداکثر ظرفیت اساتید و متخصصان رشته‌های مختلف همسو، زمینه مساعدی برای تحقق اهداف دین و نظام آموزشی در این عرصه را فراهم می‌کند.

۲. جهان معاصر با غلبه فرهنگ غربی و مبتنی بر دیدگاه‌های پراگماتیستی، درصدد نمایاندن غلبه خویش با استفاده از کارآمدی در مقام عمل است. پیدایش دیدگاه‌های معرفت‌شناسانه جدید همچون نظریه تطبیق و هماهنگی که اصالت یک دیدگاه را به هماهنگی آن با سایر دیدگاه‌ها معرفی می‌کند و نه مبتنی بر حقانیت آن، زمینه‌گذار از دیدگاه‌های سنتی را که اصالت و صحت اعتقادی را به مطابقت آن با واقع می‌داند، فراهم کرده است. امروزه شاکله سبک زندگی غربی و شرقی متأثر از غرب با این رویکرد به عرصه رقابت با نگرش‌های سنتی وارد شده و آنها را به چالش فرا می‌خواند. افزون به اینکه رشد سریع تکنولوژی ارتباطات و سرعت فوق‌العاده بالای آن نیز موجب تغییر مزاج، میل و هاضمه بشری شده، به گونه‌ای که حتی در عرصه عرفان نیز به دنبال

www.noormags.ir

مکاتبی می‌گردند که نتیجه سریعتر و ملموس‌تری را بـه بشـر عرضـه کنـد. در چنـین فضایی با در نظر گرفتن اهداف بلندمدت، لازم است محتـوای مـورد نظـر را در قالـب ملموس‌تر و جذاب‌تری مطابق با ادبیات زمانه تنظیم و در اختیار علاقه‌منـدان قـرار داد. بنابراین اصلاح روش‌ها در معرفی دین و سبک زندگی دینی باید در دستور کار جـدی فرهیختگان قرار گیرد.

۳. فعالیت‌های فرهنگی در جبهه جنگ نرم، ابزار متناسب خود را می‌طلبد. اکنون در آمریکا و اروپا در مراکز آکادمیک و دانشگاه‌هـای معتبـر، دو واحـد درس اختیـاری بـا عنوان «ادیان معاصر» ارائه می‌شود. متناسب با این حرکت و در جهت آگاهی‌بخشی بـه جوانان پیشنهاد می‌شود. دو واحد درس اختیاری با عنوان «نقد و بررسـی جنـبش‌هـای معنوی نوپدید» یا «بررسی تطبیقی ادیان» از راه گروه آموزشی معارف اسلامی دانشـگاه ارائه شود.

از سوی دیگر ارائـه درس «سـبک زنـدگی اسـلامی ـ ایرانـی» در تثبیـت و اعـتلای آموزه‌های دینی مطابق ذائقه جوانان امروزی مؤثر است، ضمن اینکه ارائـه ایـن دروس منجر به تنوع قالب‌ها در آموزش معارف اسلامی شده و زمینه جذب بیشتر دانشـجویان با سلیقه‌های مختلف را فراهم می‌آورد.

۴. اگرچه آیین بودا و دین مبین اسلام در مبـانی و اهـداف و بـه عبـارت دیگـر در مبدأشناسی و غایت‌شناسی و سایر اصول بنیادین جهان‌بینـی نقـاط افتـراق بسـیاری بـا یکدیگر دارند، اما در پیش گرفتن شیوه و روش مسالمت‌جویانه و صلح‌طلبانه و مدارای عقل‌مدارانه در هر دو آیین، سرلوحه برنامه بنیان‌گذاران آنهاست و بنـابراین، اسـتفاده از این ظرفیت مشترک، بـدون تکیـه بـر نقـاط افتـراق زمینـه وحـدت رویـه در بسـیاری موضوعات را سبب خواهد شد، در همین راستا برگزاری سمپوزیوم اسلام و آیین بـودا و تقارب دیدگاه‌ها در جهت بهزیستی بشریت، فرصت مناسبی برای تعامل پیروان ادیان بزرگ فراهم می‌آورد.

۵. پیشنهاد تأسیس شبکه سراسری تلویزیـونی بـا عنـوان «سـبک زنـدگی اسـلامی ـ ایرانی» به هدف معرفی سبک زندگی ایده‌آل اسلامی، سبک زندگی ایرانیـان و آسـیب‌ـ شناسی وضع موجود در سبک زندگی ایرانیان و ایجاد زمینه برای تقـارب آن بـا سـبک زندگی اسلامی.

در همین راستا لزوم بررسی و معرفی عرفان‌های کاذب و جنبش‌های معنوی نوپدید به عنوان بخشی از فضای آسیب‌شناسانه مطمح نظر قرار گیرد.

www.noormags.ir

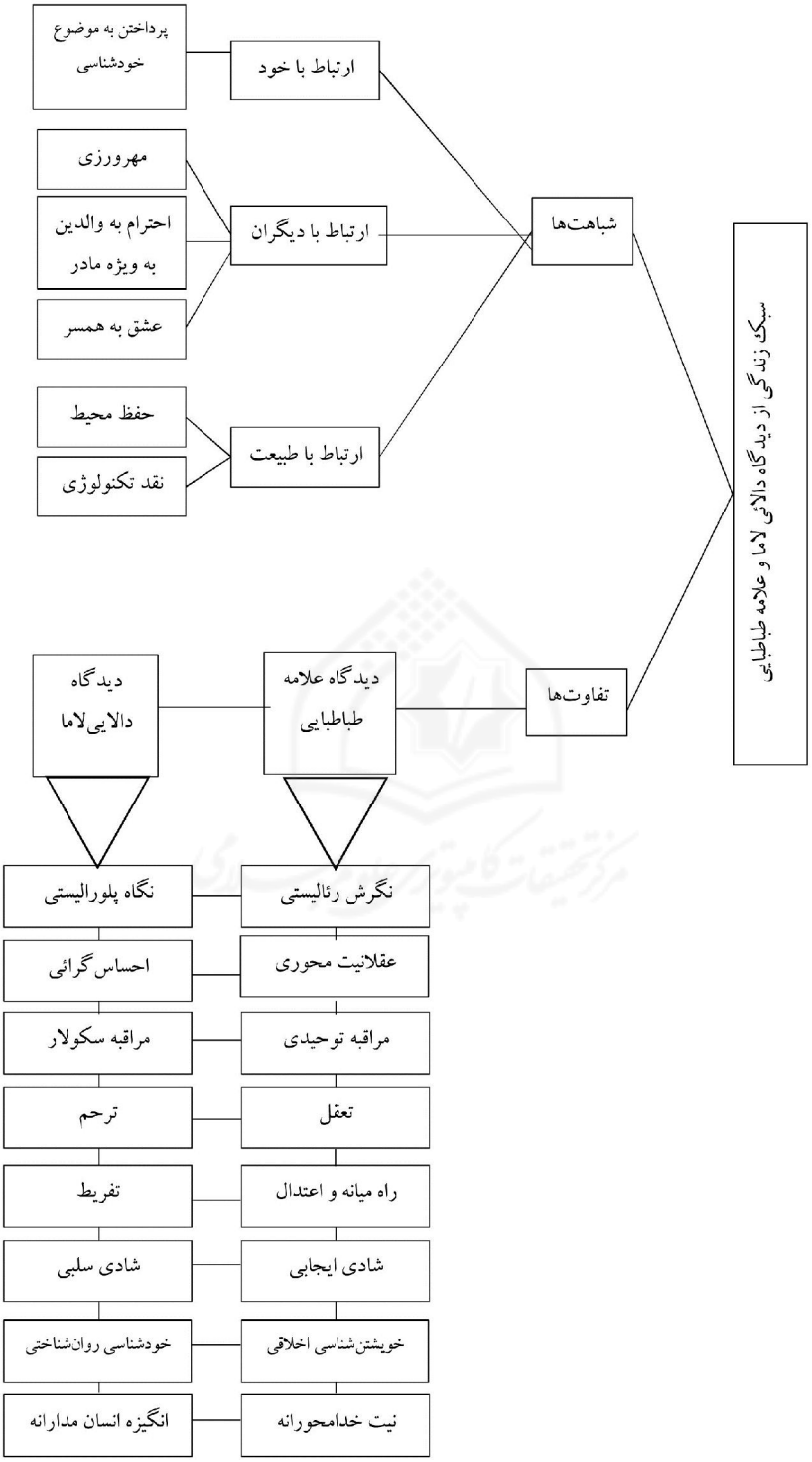

www.noormags.ir

این شبکه در راستای پاسخ به مطالبات مقام معظم رهبری به منظور رفع چالش‌های سبک زندگی موجود پیشنهاد می‌شود. بی‌گمان اهمیت راه‌اندازی این شبکه کمتر از شبکه‌هایی همچون بازار، ورزش و... نیست. ضمن اینکه به منظور تأمین برنامه و هزینه‌های این شبکه می‌توان از ظرفیت تمامی شبکه‌های موجود استفاده کرد، زیرا سبک زندگی با همه حوزه‌های زندگی مردم در تماس است و انتقال بخش کمی از توانایی‌ها و قابلیت‌های هر شبکه، زمینه راه‌اندازی این شبکه را فراهم می‌کند.

۶. ورود جدی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی به عرصه سبک زندگی و تعامل فعال کارشناسان مربوطه با دانشگاه‌ها و استادان حوزه علوم اسلامی و انسانی در جهت حل کاربردی معضلات جامعه در این زمینه می‌تواند ماهیت تأثیرگذار این علوم در حل مشکلات زندگی مردم را به نمایش بگذارد.

۷. به نظر نگارنده مقوله سبک زندگی در کشور ما دوران طفولیت و خردسالی خود را سپری می‌کند، برخی آثار موجود در سبک زندگی با رویکرد دین‌مداری تدوین نشده، بلکه از متون دینی همچون قرآن و روایات استشهاد به این موضوع شده است. اگر درصدد معرفی سبک زندگی اسلامی هستیم، لازم است نگرش استشهادی را به نگاه بنیادی تغییر داده و آنگونه که مؤلف ارجمند کتاب سبک زندگی توحیدی و موفقیت الهی عنوان داشته‌اند، با مبنا قرار دادن آیات قرآن و احادیث به سراغ مسائل سبک زندگی رفته و آنها را به دین عرضه نماییم نه اینکه برآن تحمیل کنیم. بدیهی است سبک زندگی مطلوب در چنین رویکردی قابل استناد است.

www.noormags.ir

منابع

قرآن کریم.

بیات، عبدالرسول (۱۳۸۱)، ***فرهنگ واژه‌ها***، چ۱، قم: مؤسسه اندیشه و فرهنگ دینی.

باقی نصرآبادی، علی و نگارش، حمید (۱۳۸۴)، ***رمز موفقیت علامه طباطبایی***، بی‌جا، مؤسسه انتشاراتی امام عصر(عج).

حسینی طهرانی، سیدمحمدحسین (۱۴۳۱ق)، ***مهر تابان***، مشهد: انتشارات علامه طباطبایی و انتشارات نور ملکوت قرآن.

دالایی‌لاما و هوارد. سی. کاتلر (۱۳۸۷)، ***هنر شادمانگی***، ترجمه تینا حمیدی و نغمه میزانیان، چ۳، تهران: نشر قطره.

دالایی‌لاما (۱۳۸۱)، ***زندگی در «راه»ی بهتر***، ترجمه فرامرز جواهری‌نیا، چ۱، تهران: نشر ماهی.

دالایی‌لاما (۱۳۸۴)، ***خرد***، ترجمه میترا کیوان‌مهر، چ۱، تهران: نشر علم.

دالایی‌لاما (۱۳۸۴)، ***عشق و همدردی***، ترجمه میترا کیوان‌مهر، چ۱، تهران: نشر علم.

دالایی‌لاما (۱۳۸۲)، ***ژرف‌اندیشی***، ترجمه مهرداد انتظاری، تهران: نشر علم.

دالایی‌لاما (۱۳۸۴)، ***بیداری***، ترجمه میترا کیوان‌مهر، تهران: نشر علم.

شاه‌کاظمی، رضا (بی‌تا)، ***زمینه مشترک بین اسلام و آیین بودا***، ترجمه م یاری با مقدمه دالایی‌لاما، امیر غازی بن محمد، هاشم کمالی، بی‌جا: موسسه مطالعات آل بیت اردن.

شریفی، احمدحسین (۱۳۸۹)، ***عرفان حقیقی و عرفان های کاذب***، تهران: نشر به آموز.

شریفی، احمدحسین (۱۳۹۲)، ***سبک زندگی اسلامی- ایرانی***، چ۱، تهران: آفتاب توسعه.

طباطبایی، سیدمحمدحسین (بی‌تا)، ***المیزان فی تفسیر القرآن***، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

www.noormags.ir

طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۸۹)، ***بررسی‌های اسلامی***، به کوشش سیدهادی خسروشاهی، ج۱، چ۲، قم: بوستان کتاب.

طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۸۹)، ***تعالیم اسلام***، به کوشش سیدهادی خسرو شاهی، چ۳، قم: مؤسسه بوستان کتاب.

طباطبایی، سیدمحمدحسین (بی‌تا)، ***نقدهای علامه طباطبایی بر علامه مجلسی*** (حواشی بر بحارالانوار)، محقق مرتضی رضوی، چ۱، بی‌جا.

طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۸۷)، ***ولایت‌نامه***، ترجمه همایون همتی، تهران: انتشارات روایت فتح.

فعالی، محمدتقی (۱۳۸۸)، ***نگرشی به آراء و اندیشه‌های دالایی‌لاما***، چ۱، تهران: سازمان ملی جوانان.

کاویانی، محمد (۱۳۹۱)، ***سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن***، چ۱، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

لقمانی، احمد (۱۳۸۲)، ***علامه طباطبایی میزان معرفت***، چ۳، تهران: مؤسسه امیرکبیر.

مظاهری سیف، حمیدرضا (۱۳۸۸)، ***تجربه‌های عرفانی در ادیان***، قم: مؤسسه بوستان کتاب.

مظاهری سیف، حمیدرضا (۱۳۸۹)، ***جریان‌شناسی انتقادی عرفان‌های نوظهور***، چ۴، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

مظاهری سیف، حمیدرضا (۱۳۸۹)، «جنگ نرم در پوشش معنویت‌گرایی»، ***پگاه حوزه***، ش۲۷۸.

موحدیان عطار، علی و رستمیان، محمدعلی (۱۳۸۶)، ***درسنامه ادیان شرقی***، قم: کتاب طه.

مهدوی کنی، محمدسعید (۱۳۸۷)، ***دین و سبک زندگی***، چ۲، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).

نصری، عبدالله (۱۳۷۱)، ***سیمای انسان کامل از دیدگاه مکاتب***، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.

www.noormags.ir

Dalai lama and Jeffrey Hopkins (2002), how to practice the way to a meaningful life, translated by Jeffrey Hopkins, NewYork, p7,44,68,108.

Dalai lama (2004), many ways to nirvana, edited by renuka singh, penguin group, NewYork, p5.

Dalai lama (2005), how to expand love widening the circle of loving relationships,translated and edited by Jeffrey Hopkins, published by rider, NewYork, p1.

Dalai lama, beyond dogma dialogues and discourses, translated by Alison Anderson, edited by Marianne dresser, published by north atlantic books, California.

www.aftabnews.ir/fa/news/232266.

www.aftabnews؛www.wikipedia.org/wiki/dalailama.

www.dalailama.com/biography,26/2/1392.

www.dalailama.com/biography,26/2/1392؛www.mashreghnews.

www.dalailama.com/messages/religious-harmony,12/3/1393.

www.mashreghnews.ir/fa/news/110228,28/11/92.

www.wikipedia.org/wiki/dalailama,15/5/90.

www.noormags.ir